

## نامه‌های رسیده

بسمه تعالی

به: ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان  
از: اصفهان - علی اکبر جهاد محمدی

با سلام و احترام

محترماً به استحضار می‌رساند بعد از برگزاری مرحله دوم آزمون تیزهوشان برای مقطع پنجم ابتدائی (برای ورود به مقطع راهنمائی) که مرحله دوم آن در تاریخ جمعه ۸۷/۲/۲۰ برگزار شد، در صدد تماس با سازمان برای اشاره به نکات زیر بودم که موفق نشدم و مجبور به تنظیم یک متن و سپس فکس آن شدم.

از آنجائی که یکی از اهداف (استراتژی) مهم سازمان، شناسائی و پرورش استعدادهای درخشان کشور در سطوح مختلف تحصیلی می‌باشد، لذا این سازمان باید در شناسائی و تربیت استعدادهای درخشان سرمشق و خط دهنده در سطح کشور بوده و دارای استراتژی رقابت با بقیه کشورها نیز باشد. در صورت تأیید سه سطر فوق، سؤالات و موارد زیر در مورد نحوه برگزاری آزمون، سؤالات آزمون، اعلام نتایج آزمون، نگهداری و تربیت (پرورش) استعدادهای درخشان و برنامه آینده آنها و... مطرح است.

۱. چرا نحوه برگزاری آزمون و استرس آن برای دانش‌آموزان و خانواده آنان مانند کنکور سراسری است؟

۲. چرا سؤالات در مرحله اول آزمون باید چنان دارای اشتباه باشد که باعث گردد اسامی

پذیرفته‌شدگان در سه مرحله و بعضاً با اعتراض ولی دانش‌آموزان تغییر کند؟

۳. آیا سؤالات برای این مقطع نباید در محدوده سال پنجم ابتدائی یا ما کزیمم در سطح اول

راهنمایی باشد؟

۴. چرا در امتحانی که برای هر درس آن تعداد سؤالات محدود است (مثلاً ۱۰ تا ۲۰ سؤال برای

درس علوم) و باید سؤالات با حساسیت، با استاندارد و به درستی انتخاب شوند، سؤالات مشابه و غیر مربوطه که شاید اگر از دانشجویان، نخبگان هم پرسیده شود قادر به جواب آن نباشند، آورده می‌شوند و دانش‌آموز با وجود داشتن سطح بالای آموزشی، با دیدن این سؤالات متحیر شود. آیا جواب این سؤالات را می‌توان در دروس آموزشی آنها پیدا کرد؟

برای مثال در آزمون مرحله دوم پنجم ابتدائی از درس علوم سه سؤال به صورت زیر آمده است:

○ طول رشته‌های عصب یک انسان کلاس پنجمی چقدر است؟

○ طول رشته‌های عصب یک خرگوش تقریباً چقدر است؟

○ اگر شش فردی پاره شود چه اتفاقی می‌افتد و می‌توان چه کار کرد؟

حال نکته مورد توجه این است که آیا با این سؤالات می‌خواهیم استعدادهای درخشان را پیدا کنیم،

آیا از ۱۰ تا ۲۰ سؤال درس علوم باید سه سؤال آن به این شکل طرح شود؟ این سؤالات چه ربطی به استعداد یک فرد دارد!!! در سؤالات ریاضی نیز در مرحله دوم آزمون سؤالات مشابه سؤالات فوق و بدون مفهوم وجود داشته است.

۵. چرا سؤالات مرحله اول باید دوباره در مرحله دوم به دانش‌آموز داده شود؟ اگر می‌خواهیم

پژوهش یا تحقیق کنیم آیا راه درست تحقیق این است؟ آیا با دانش‌آموزی که برای یک رقابت درسی سالم آمده شده است باید برخورد به این نحو داشت؟

۶. چرا قرار است پذیرش در یک شهر مانند اصفهان به صورت ناحیه‌ای انجام گردد؟ مگر آزمون

در شهری مانند اصفهان به صورت ناحیه‌ای انجام شده است؟ در امتحانی که به صورت متمرکز انجام می‌گردد باید افراد واجد شرایط نیز با شرایط و قوانین کلی علمی پذیرفته شوند و سپس با توجه به محل سکونت آنها در سطوح ناحیه‌ها و با توجه به امکانات ناحیه‌ها در مدارس مخصوص استعدادهای درخشان توزیع گردند.

در پایان خواهشمند است اقدامات لازمه را در جهت پاسخ به سؤالات فوق مبذول فرمائید و در

صورت وجود مشکل در طرح سؤالات فوق اینجانب را راهنمایی فرمائید.

با سپاس و تشکر

ع.ا.م

● استعدادهای درخشان: با تشکر از این ولی عزیز مواردی را به اطلاع ایشان و خوانندگان محترم می‌رسانیم ۱. کیفیت نازل آموزش در اکثر مدارس و هزینه‌های سنگین مدارس غیر انتفاعی - در مقابل حق الثبت محدود اولیا در مراکز سمپاد در صورت توانایی - جو خانوادها را به سوی این تئیدگی و استرس می‌کشاند. سمپاد در جستجوی راهکاری برای ایجاد یک محیط آموزشی مناسب بوده است و در تلاش بوده است این محیط آموزشی ایمن باشد و گسترش یابد، بدون اینکه نگران باشد افراد دیگری مدرسه بهتری را به وجود آورند. ولی وقتی اولیاء ترجیح می‌دهند با هزینه بسیار کمتر و کیفیت بسیار بالاتر، فرزندشان حتی در مدارس بسیار خوب غیر انتفاعی شهرشان قبول نشود، این استرس را تقویت و به دانش آموز بخت برگشته منتقل می‌کنند، تقصیرش را هم برگردن کسی می‌اندازند که به علت کثرت داوطلب باید به شکلی به غربالگری بپردازد تا به زعم خود بهترین‌ها را برگزیند، یا اینکه چشم برهم نهد و از این پس به گونه‌ای دیگر گزینش کند ۲. وجود دو سؤال اشتباه - یعنی پاسخ‌های مشابه و نزدیک به هم داشتن - گناه کبیره نیست. سمپاد قبل از این که مراجع قانونی سربرسند خود این دو سؤال را حذف و با تصحیح کلید در مورد ۴ سؤال دیگر، کلیه ۱۹۵۰۰۰ کارنامه داوطلبان را تصحیح و اسامی ۷۳۶ نفر که حقتشان ضایع شده بود اعلام شدند. بعد از این رویداد، اصرار و فشار بر اعلام اسامی دیگری گردید که تا سقف ۲۲۰۰۰ نفر را بدون هیچ دلیل، درخواست می‌نمودند که سمپاد صرفاً حدود ۷۷۰ نفر دیگر را که لب مرز قبولی براساس تصحیح پاسخنامه‌ها بودند، اعلام کرد و بهیچوجه فشارهای بعدی مبنی بر پذیرش افراد بیشتر را نپذیرفت. ۳. سن عقلی داوطلبان سمپاد عمدتاً حدود ۳ تا ۴ سال بیشتر از سن شناسنامه‌ای آنهاست (اگر جهش نکرده باشند) لذا برای غربالگری در حد دو تا سه برابر تعداد پذیرش، همه ساله داوطلبان پاسخگوی خوبی داریم ۴. در گزارش مبسوطی برای دیوان عدالت اداری و وزیر محترم که به ۱۶ سؤال کنکور مرحله اول سمپاد ایراد گرفته شده است، با کپی صفحات کتاب‌های ابتدایی منبع موجود در کتاب‌های دبستان را نشان داده‌ایم که اصل مطالب در متن کتاب‌ها هست، منتها داشتن خلأ جهت یافتن پاسخ هم ضروری است. ۵. در رابطه با اعتراضات مکرر از اصفهان براساس شبهه رونویسی دانش آموزان یکی دو مدرسه غیرانتفاعی از روی هم و هماهنگی ناظر جلسه با آنها، تنها راه اثبات صحت یا عدم صحت شبهات تولید شده توسط دیگر اولیاء، تکرار آزمون مرحله اول پس از مرحله دوم بود. خوشبختانه کسانی که چنین اقدامی کرده بودند خود به خود در مرحله دوم امتیاز لازم را به دست نیاوردند و ما هم براین اساس ضرورتی به اعلام نام مدرسه نمی‌بینیم. ۶. سمپاد از زمان مدیر کلی آقای امام جمعه‌زاده در اصفهان درخواست گسترش مراکز خود را در مکان‌های موجود داشت. در طول نه سال مدیریت بعدی تعمداً به این امر مساعدتی نشد (مکاتبات موجود است). از سال ۱۳۸۴ با نگرش جدیدی در سمپاد در برخی از شهرها نواحی آموزش و پرورش تفکیک و مدارس جداگانه در آن تأسیس گشت. عملی شدن این امر قبلاً در تهران موجب موفقیت‌های جهانی جنوب شهری‌ها در حد بهترین مدارس غیرانتفاعی تهران گردیده بود. تفکیک نواحی مشهد در سال ۸۴ تفکیک نواحی و توسعه مراکز شیراز در سال ۸۶ و افزایش پذیرش دانش آموز با منطقه‌بندی جدید در اصفهان از همین موارد است؛ هر چند در کرج و شهری هم سال‌هاست این تفکیک صورت گرفته و مراکز اسلامشهر، چهاردانگه، شهریار و ورامین شکل گرفته و خانواده دانش آموزان هم از افزایش تعداد پذیرش و هم از کوتاه شدن مسیر تردد خوشحال هستند.

## به نام خدا

حضور محترم جناب آقای دکتر آزه‌ای

با سلام و آرزوی سلامتی و سربلندی حضرت عالی، مقدمتاً باید از اینکه مصدع اوقات می‌گردم عذرخواهی نمایم و از اینکه دقایقی را به درد دل یک مادر گوش می‌دهید سپاسگزاری نمایم.

پسر من کلاس پنجم ابتدائی یکی از مدارس منطقه پنج اصفهان می‌باشد. در سال چهارم ابتدائی در کلیه آزمون‌های مبتکران رتبه‌های تک رقیمی کشوری را می‌گرفت که معلمان او به ما گفتند دانش آموز با استعدادی است، به گونه‌ای که در بهترین مدرسه اصفهان بین شاگردان بهترین بود، در تابستان به کلاس‌های تقویتی رفت که جزء شاگردان ممتاز آن کلاس‌ها نیز می‌شد و همیشه نمرات بالای آزمون را می‌گرفت و این درخشش او موجب گردیده بود که چهار یا پنج مدرسه مطرح اصفهان پیشنهاد ثبت نام رایگان را به ما می‌دادند، و در ضمن قبولیش را نیز تضمین می‌کردند.

ما پسر را در مدرسه‌ای که در فاصله «هفتاد کیلومتری» منزلمان بود (رفت و برگشت) و جزء مدارسی بود که هر سال بالاترین قبولی تیزهوشان در اصفهان را می‌داد و در منطقه پنج واقع بود که منزل ما در منطقه ۳ قرار داشت، ثبت نام نمودیم. در این مدرسه که ۱۵۰ دانش آموز خوب و آماده داشت و معلم آن نیز جزو یکی از معلمان مطرح اصفهان بود، پسر من مرتب نمرات عالی کلاس را می‌آورد که معلمشان می‌گفت «ر.» جزو ۵ نفر اول است. در کنار مدرسه پشتکار و جدیت خاصی در دروس داشت و این تلاش از ۲۶ خرداد ۱۳۸۶ تا به امروز ادامه داشته، به گونه‌ای که تمامی معلمان مدرسه و معلمان کلاس‌های تقویتی تابستان، به او می‌گفتند صندلی اول تیزهوشان مال توست.

آقای دکتر، پسر من در تمامی مدت سال ۸۶ را به کوشش و درس خواندن بود، به طوری که شاید در طول این یک سال، سه یا چهار ساعت تلویزیون نگاه کرده است. نه اینکه برای او محدودیتی بود بلکه او همیشه می‌گفت از کارهایم و برنامه‌های درسی عقب می‌افتم و این برای من و پدرش جای تعجب بود که چرا خسته نمی‌شود. این وضعیت تا امتحان مرحله اول که در دهم اسفند ۸۶ انجام شد ادامه داشت و این دانش آموز هر روز رتبه و یا نمره ممتازی در مدرسه و امتحانات متفرقه می‌گرفت، آن هم بین دانش آموزانی که همه قوی و خوب بودند.

اما بعد از امتحان با عنایت به اینکه در خانه هیچ‌گونه صحبتی از امتحان و تیزهوشان نبود، گاه نسبت به امتحان تیزهوشان استرس شدیدی پیدا می‌کرد و حتی روز خود امتحان با وجود اینکه بچه‌ای آرام بود، و اعتماد به نفس بالایی داشت که آزمون‌ها و نمرات آن تا قبل از امتحان مرحله اول گواه این مطلب می‌باشد، از جلسه که خارج شد با استرس زیادی نزد ما آمد و گریه کنان گفت از سؤال اول تمام بدنم می‌لرزید و خیس عرق می‌شدم، تمرکز نداشتم، به طوری که نفهمیدم ۷۵ دقیقه چطور گذشت. من در

این مدت ۴۴ سؤال را که زدم نمی‌توانستم درست فکر کنم و مسائل را تجزیه و تحلیل نمایم. وقتی گفتند ۵ دقیقه دیگر وقت باقی است من ۲۴ سؤال را نزده داشتم که بقیه را تندوتند فقط پرکردم.

او اکنون هر روز بی‌تابی می‌کند و روزی نیست که گریه نکند و مرتب می‌گوید مامان آبرویم می‌رود. من به مدرسه نمی‌روم. من چه طور بینم دوستان من که بعد از من بودند قبول شوند و من قبول نشوم. اما من تنها کاری که می‌توانم بکنم به او می‌گفتم توکل به خدا داشته باش و دعا کن انشاءالله قبول می‌شوی و او بعد از هر نماز که می‌خواند یک ربع دعا و نیایش به درگاه خدا دارد که قبول شود. چرا که قبول نشدن با آن همه رتبه و نمره‌های عالی را یک شکست می‌داند و من تصور می‌کنم برای پسری با ده سال سن بسیار زود است که شکست را بخواهد مززه کند.

باری این وضعیت نامساعد روحی چنان گریبان او و من و پدرش را گرفته که هر روز برای خلاصی از آن شاید ساعتها با او صحبت می‌کنیم که شاید یک مشاور هم این قدر وقت و زمان نگذارد و به راستی که با این حالات روحی که از او دیدیم گفتیم که اگر تو مرحله اول هم قبول شوی نمی‌خواهیم برای مرحله دوم امتحان بدهی، تا شاید مبحث تیزهوشان از ذهنش خارج شود و او می‌گوید که من در مرحله اول اگر قبول نشوم آبرویم خواهد رفت.

برادر بزرگوارم آقای دکتر اژه‌ای، من و پدرش آمادگی داریم تا جهت رهایی این پسر بچه در این ۴۵ روز از ناراحتی و استرس یا اگر نمره اش لبه مرز هست، اسم او در قبولی‌ها منعکس شود و لیکن، والدین «ر.ر.» تعهد کتبی و حتی محضری می‌دهیم که اگر اسم او نیز جزو قبولی‌ها آمد برای مرحله دوم هیچگونه ادعا یا تقاضای ثبت نام و امتحان مرحله دوم را ننمائیم و یا اگر صلاح و مصلحت می‌دانید و خدشه‌ای به جایی وارد نمی‌آید، امتحان مجددی از او گرفته که ضمن صحت عرایض اینجانب اگر امکان بود نامش جزء قبولی‌ها بیاید. البته این اگرهائی که من اشاره می‌کنم منوط به این است که نامبرده قبول نشده باشد، چرا چون ما به اطلاعات داده شده خود او اکتفا داریم.

باری به هر جهت ما فقط و فقط به لحاظ اینکه روحیه کوچک فرزندمان در زمانی که در حال بارور شدن است لطمه‌ای نبیند تقاضای فوق را نموده‌ایم. البته مجدداً اعلام می‌داریم که وی را در مرحله دوم ثبت نام امتحان نکنیم، چون با توجه به صحبت‌هایی که با خود وی نیز شده تا حدودی قانع گشته که در امتحانات ورودی مدارس دیگر اصفهان شرکت کند.

شاید این نیز مصداق دوری نباشد که عنوان کنم این کودکان همچون نهال تازه کاشته‌ای هستند که باید آن را در نهایت دقت و صحت بارور کنیم، گاه در زیر گلخانه ببریم، گاه به فضای آزاد بیاوریم و به هوش و گوش باشیم که مبادا بادی، نسیمی و طوفانی، تگرگی و شاید آزار و اذیت جاننداری آن را از کمر بشکند و دیگر آن امید و آرزوی باروری شعر ذهنمان را خاموش سازد.

ما اول امیدمان به خالق هر دو جهان است و بعد به حضرت عالی که هرگونه که صلاح کار می‌دانند عمل نمائید. جسارتاً چون اعلام نتایج نزدیک می‌باشد، لطف و عنایت خویش را از ما دریغ نفرمائید.

با پوزش و تشکر و سپاس از همهٔ بردباری‌ها و الطاف شما

م. ر: پدر ن. ه: مادر

● استعدادهای درخشان: بدون در نظر گرفتن قبول شدن یا قبول نشدن این دانش آموز، نهایت تأثیر خود را از کشاندن این نونهال به یک میدان سخت اعلام می‌نمائیم. اینکه از قبل، مسیر روزانه هفتاد کیلومتر را به فرزندتان تحمیل کنید تا در شهری که مدارس خوب بسیار دارد، در مدرسه سمپاد قبول شود، آن چیزی نیست که بنیان‌گذار سمپاد در ذهنش خطوط می‌کرد. با چه زبانی می‌توانیم آنها را که این شیوه را ادامه می‌دهند و استرس را به جان فرزندانشان تزریق می‌کنند از این کار منع کنیم. ما می‌خواستیم یک محیط الگو به وجود آوریم، نه یک بازار برای بساز بفروش‌ها و یک غصه بزرگ برای «خودمان»، برای آنان که «قبول می‌شوند» و آنان که «قبول نمی‌شوند».

### بسمه تعالی

جناب آقای دکتر اژه‌ای ریاست محترم سازمان سمپاد:

با عرض سلام و تبریک سال نو بدین وسیله تقاضا می‌نمایم نسبت به ادامه کار مدیریت مرکز استعدادهای درخشان شهید بهشتی ... تجدید نظر بفرمائید. قابل ذکر است این مدیر مناسب مدیریت مرکز استعدادهای درخشان نمی‌باشند، به دلایل مذکور:

۱. هزینه کردن بودجه مدرسه در راه نادرست، برای مثال چمن ورزشی مدرسه که هر سال هزینه هنگفتی برای آن پرداخته می‌شود و در طول سه سال حتی یک بار هم دانش‌آموزان از آن استفاده نکرده‌اند و در تابستان به مراکز و ارگان‌های دیگر به اجاره داده می‌شود.

۲. عدم توجه به مسابقات علمی کاربردی و توجه تنها به مسابقات قرآنی. به عنوان مثال در تابستان سال گذشته که دانش‌آموزان به همراه مدیریت مدرسه برای مسابقات قرآنی به رشت رفته بودند، با هواپیما رفتند و هزینه زیادی را خرج دانش‌آموزان کردند، اما در فروردین ماه سال جاری که تیم ۳ نفره رباتیک به همراه یک سرپرست به تهران رفته بودند، با بودجه کمی که در اختیار سرپرست قرار گرفته بود به مدت سه روز فقط ساندویچ و غذایی بسیار ساده و کم، مصرف کرده بودند و کمک مالی ایشان برای ساخت ربات به قدری کم بود که ۲۶۰ هزار تومان از جیب خود اعضای تیم هزینه کرده‌اند.

۳. از دست دادن دبیرهای نمونه و برجسته شهرستان و اساتید فوق لیسانس به دلیل اختلاف با آنها و جذب دبیر فوق دیپلم در مقطع دبیرستان. همچنین در طول سه سال، پنج معاون در مقطع دبیرستان و

راهنمایی تعویض شده که دلیل آن فقط و فقط اختلاف ایشان با مدیریت بوده است.  
۴. نداشتن امکانات کافی مدرسه از قبیل آزمایشگاه شیمی، زیست، کامپیوتر (بسیار کم)، سالن مطالعه، نمازخانه و ... با وجود بودجه کافی هیچ یک از این امکانات در اختیار دانش‌آموزان قرار نگرفته است.

۵. این مرکز شبانه روزی می‌باشد و عده‌ای از دانش‌آموزان در خوابگاه به سر می‌برند که از شهرستان‌های همجوار به اینجا آمده بودند. گفتنی است که ۹۰٪ بودجه مدرسه خرج و هزینه خوابگاه می‌شود، در صورتی که شهریه دانش‌آموزان بومی شهرستان و دانش‌آموزان خوابگاهی یکسان است.

جمعی از دانش‌آموزان دبیرستان شهید بهشتی ...

● استعدادهای درخشان: ۱- گشایش مراکز سمپاد در این شهر صرفاً براساس قبول حضور دانش‌آموزان برتر شهرهای همجوار بود، هزینه شبانه روزی آنها هم از پول حق الثبت روزانه‌ها نیست، لذا اگر آنها نبودند اصولاً مراکز سمپاد در این شهر گشایش نمی‌یافت. ۲- در مورد برنامه‌های موردی مراکز، سمپاد مخالف حضور دانش‌آموزان و هزینه برای آنها نیست، ولی وقتی از میان داوطلبان زیادی براساس آزمون‌های پی در پی، یک نفر از راهنمایی و یک نفر از دبیرستان جهت مسابقات نهایی مطلوب سمپاد انتخاب می‌شوند، اعتراض شما بی‌جاست. ضمن اینکه انتظار می‌رود، حق الثبت اولیاء قبل از هر چیز در جهت تجهیز مراکز به نیازهای اساسی اش هزینه شود.

### به نام خدا

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان کشور  
با سلام و تأسف فراوان از بی‌کفایتی بعضی مجریان امتحانات مرحله اول تیزهوشان! دریغ و صددریغ از این کودکان پاک و معصوم که اولین تجربه کشوری را ناباورانه و تلخ آموختند. پسر شب امتحان ساعتش را باز هم با ساعت تلویزیون میزان کرد که فردا روز امتحان از روی آن سؤالات زمان‌بندی شده را در موعد مقرر پاسخ دهد، ولی افسوس و صدافسوس از مسئولین دبستان ... تبریز و سایر مسئولان مجری این آزمون که حدود یک ربع ساعت زودتر از زمان مقرر ورقه‌ها را از دست دانش‌آموزان کشیدند! وقتی من این ادعا را می‌کنم از چند دانش‌آموز پرسیدم و آنها ناراحت بودند از این هرج و مرج!!!! اگر این زمان در اختیار پسرم بود، می‌توانست این ۷ سؤال نزده را حتی شانس هم می‌زد نمره‌اش از حدنصاب می‌گذشت و قبول می‌شد. ولی او با اطمینان به زمان تعیین شده از سوی مسئولان به سؤالات جواب می‌داد، که امانش ندادند و پاس‌خنامه را از دستش قاپیدند! باید در این خصوص بر شما و زیردستان تبریک گفت!!

قبل از ورود به جلسه گفتند چپ دست‌ها بیایند این طرف، صندلی‌های آنها مخصوص چپ دست‌هاست، ولی ندادند به به احسن احسن به این مدیران با کفایت!!؟ این امتحان تمام شد، مثل بازی فوتبال که اگر داور اشتباه کرد، ندید، طرفداری کرد (!) باز نتیجه همان است و تغییری نخواهد کرد!!؟ من میدانم که با این نوشتن، شما تغییری در نتایج نخواهید داد. زنگ زدیم به مدیر مدرسه راهنمایی ... فرمودند: من خودم آنجا بودم، زمان درست بود و به موقع پاسخنامه‌ها را جمع کردیم! من می‌گویم ما بزرگترها دروغگو بار آمده‌ایم، برای اثبات راست‌گویی مان متوسل به سوگند می‌شویم، ولی بچه‌ها پاک هستند، معصومند، دروغگو نیستند. سینه آنها مثل آینه صاف و ساده است، به خصوص اگر بانان حلال بزرگ شده باشند. مثل تهیه کنندگان فیلم‌های مستند بی‌آید از بچه‌های امتحان داده در مدرسه ... جدا جدا برسید، خواهید دید که با سهل انگاری و سوء مدیریت چقدر این بچه‌ها و جوانان تباه می‌شوند. چقدر باید این بچه فشار عصبی را تحمل کند وقتی اسمش در میان قبولی‌ها نباشد، در حالی که از هر جهت شایسته این قبولی است. من متأسفم، همه متأسفیم و اگر بخواهید تحقیق کنید، از مدیران و ناظران و مسئولان پرسید. چند نفر را بفرستید، آدمهای صادق و روانشناس و خبره از بچه‌های امتحان داده در دبستان ... تبریز پرسند. اگر خلاف ادعای من ثابت شد برای هر نوع جزا آماده‌ام. خداوند انشاءالله مثل این شرایط را که برای فرزندم پیش آمد، برای فرزندان شما هم پیش بیاورد تا بفهمید چقدر آدم شکنجه شده و افسرده می‌گردد.

#### صمد دبیری

ولی دانش آموز فرهاد دبیری دانش آموز پنجم ابتدایی دبستان غیرانتفاعی روزه

● استعدادهای درخشان: در مورد حوزه‌های معدودی که اعتراض به زمان پایان امتحان داشته‌ایم، فقط در این حوزه عدم تذکر به وقت مانده - مثلاً ده دقیقه - بوده است. اگر فرزند شما شانس ۷ سؤال را می‌زده و فکر می‌کنید قبول می‌شد، کمی کم لطفی است. از دعای شما برای فرزندان رئیس سمپاد هم متشکریم، منتها او هیچگاه آزرده‌گی فرزند شما را خواستار نیست. قبول شده و قبول نشده برایش عزیز هستند و افسوس او بر اینست که کاش امکانی می‌داشت تا همه این داوطلبان را بدون غربالگری کنکور می‌پذیرفت. در ضمن ما بدون توهین به همکاران آموزش و پرورش، چاره‌ای جز واگذاری مرحله اول کنکور به این عزیزان همراه با دستورالعملی مکتوب و یکسان نداریم. زبردست و بالادست هم در این مرحله مطرح نیست.

#### بسمه تعالی

برادر بزرگوار جناب آقای دکتر اژه‌ای

با عرض سلام و خسته نباشید؛ آقای دکتر گله‌ای دارم و مدت‌هاست می‌خواهم به وسیله نامه‌ای



خدمت شما بگویم. من مادر یکی از دانش‌آموزان این مرکز (فرزانگان...) هستم. خیلی صبر کردم تا شاید اصلاحی در شکل مدیریت این مرکز اتفاق بیافتد، ولی افسوس اصلاح که نشد هیچ، روز به روز وضع بدتر شد!

خواهش می‌کنم به وضع مدیریتی این مرکز نگاهی دیگر بیاندازید؛ ۳ یا ۴ سال است که مرکز، جهت دیگری دارد و این برای آینده احساس خطری است. اگر چه دختر من اینقدر ناراحت است که امروز تصمیم گرفته که همراه دوستش از مرکز بیرون آید و در دبیرستان دولتی دیگری ثبت نام کنند، در حالی که حق طبیعی آنهاست که در این مرکز درس بخوانند. البته من سعی کردم آنها را منصرف کنم. حاج آقا به طور کلی بگویم که مرکز فقط وسیله‌ای برای پول درآوردن شده و اسم بالا بردن و کلاس خصوصی گذاشتن و بالا رفتن ژست مدیر و معاون؛ اصلاً بر خورد درستی با هیچ کس ندارند و چیزی که در مرکز کمیاب است، صداقت است که ذره‌ای از آن در وجود مدیر و معاون نیست. اینقدر از آنها ناراحتیم که نمی‌دانم چگونه بیان کنم؛ هیچ کس حریف آنان نیست. دبیران نکات مهم درس را فقط در کلاس‌های خصوصی می‌گویند (کلاس‌های تقویتی و گرفتن پول‌های هنگفت) و تنها فرصت برای آنهایی که پول دارند مناسب است! (به راستی باید این گونه باشد؟) مدیر هم که آنقدر «من منم» دارد که هیچ کس حریف زبانش نیست. انجمن هم که فداایش شوم! به خاطر موقعیت دخترانشان و هم خودشان هیچ حرفی نمی‌زنند. حاج آقا خواهش مندم دقت بیشتری فرمائید، شما که دلسوز این دانش‌آموزان هستید نگذارید که چنین جوی حاکم شود، چنان که حاکم شده و وضع با چند سال پیش خیلی متفاوت شده. من کوچکتر از آنم که امروز نمی‌کنم، ولی خواهش می‌کنم نگاهی دیگر به این مراکز بیاندازید. دختر مدیر همه کاره آنجاست و مرکز فقط به بچه‌هایی که یواشکی شیرینی و هدیه و چاپلوسی‌های دیگر می‌کنند اهمیت می‌دهد. اداره آموزش و پرورش هم که انگار نه انگار، می‌گویند که کاری از دستشان بر نمی‌آید و از عهده و مسئولیت آنان خارج است و به سازمان مربوط می‌شود.

خواهش می‌کنم به وضع این مرکز رسیدگی کنید.

قبلاً از زحمات شما متشکرم

مادر یکی از دانش‌آموزان فرزانگان...

- استعدادهای درخشان: متأسفانه رئیس آموزش و پرورش این استان برای سمپاد تره هم خورد نمی‌کند، چه رسد پابندی به اصول سمپاد. برخلاف مصوبات شورایعالی اداری هرکاری خواسته‌اند کرده‌اند، حتی آنجا که سعی داشته‌ایم به خاطر کاهش مشکلات عزیزان سمپادیمان، تعامل سازنده داشته باشیم، با هوجبی گری روبرو شده‌ایم. قبلاً از این که با حذف نام شهر ممکنست بعضی از استان‌های دیگر هم لکه‌دار این رفیق بازیها شوند، پوزش می‌طلبیم.

### به نام خدا

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان  
خسته نباشید. من دو فرزندم در یکی از شهرها که سمپاد در آن مرکز دارد تحصیل کرده و فارغ‌التحصیل آن هستم. آخرین فرزندم هم، امسال در کنکور شرکت کرده است. من این نامه را قبل از اعلام نتایج مرحله دوم ارسال می‌نمایم، ولی با توجه به مطالب بروی سایت‌ها، روزنامه‌ها و جنجال‌های پیرامون سازمان عقیده دارم اگر کسی بچه‌اش را به زور کلاس‌های طولانی مدت بخواهد به مدارس سمپاد بفرستد اشتباه کرده است. من دو فرزند اولم هیچ کلاس خاصی نرفتند و قبول شدند. این آخری هم - یکی دو کتاب خارج از مدرسه بیشتر از کتاب‌های مدرسه نخواند، با آرامش سر جلسه رفت و من و پدرش به او کاری نداشتیم. خوشحال می‌شویم اگر او در مرحله دوم قبول شود. چون اعتقاد به کنکور شما و کار شما داریم. هر چند خود شما اشکال‌های کار را بیشتر از ما می‌دانید. از جنجال‌ها و توهین‌ها عقب نشینی نکنید، خدا با صابران است و اجر شما نزد اوست.

صدیقه. ج. مادر داوطلب سمپاد

● استعدادهای درخشان: کاش همه چون شما می‌اندیشیدند و کودکی آزاری خود را به ما نسبت نمی‌دادند. ما در جستجوی فرزندان با استعداد شما هستیم و امیدواریم فرزند این مادر عزیز در مرحله دوم هم قبول شود. مجله معمولاً اسامی را در حد ضرورت حذف می‌کند ولی چون مشخصات فرزند این عزیز را نداشتیم، به عنوان یک نگاه دیگر، نامه ایشان را که برای ما نامبر کرده بودند در کنار دیگر نامه‌های شما به دست چاپ سپردیم.

### بسمه تعالی

جناب آقای دکتر آژهای

ریاست محترم سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان

با سلام و احترام

اینجانب مهسا درخشان دانش‌آموخته سال ۸۲ از مرکز فرزندان کرج و دانش‌آموخته ۸۶ کارشناسی شهرسازی از دانشگاه تهران بر خود لازم می‌دانم مراتب سپاس خود را نسبت به شما ابراز نمایم. چندی پیش به خاطر اشتباه رخ داده توسط آموزش پردیس هنرهای زیبا، با وجود شاگرد اول بودن در دوره، در نیمه‌های ترم اول به بنده اعلام شد که امکان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد را

ندارم. بعد از آن که تلاش بسیار من به جایی نرسید، برای شما نامه‌ای نوشتم و ضمن شرح حال از شما استمداد خواستم.

آن نامه به مدد امضای شما و همکاری جناب آقای دکتر خالقی، گره از مشکل بنده گشود و اکنون به من اجازه تحصیل در رشته «برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تهران» داده شده است. ضمن اظهار تشکر فراوان، محبت شما را در حق یکی از فرزندان سمپاد فراموش نخواهم کرد.

با احترام و امتنان

مهسا درخشان

۸۶/۱۲/۷

● استعدادهای درخشان: از جناب آقای دکتر خالقی هم تشکر می‌کنیم که در احقاق حق یک سمپادی تلاشگر، پاسخ مثبت نشان داده و خانم درخشان توانستند از حق شاگرد اولی خود بهره‌مند شوند.

